

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده : طارق هوادار (ساما – ادامه دهندگان)

۰۸ جولای ۲۰۱۲

قطعه شعری از برتولت برشت

می شنویم که تو خسته ای

۱

می شنویم ، که تو دیگر نمی خواهی باما کار کنی
وا داده ای ، دیگر نم توانی فعالیت کنی
بسیار خسته ای ، دیگر نمی توانی بیاموزی
از دست رفته ای
دیگر نمی توان انجام کاری را از تو چشم داشت .
پس بدان :
ما این همه را از تو می خواهیم .

هنگامی که خسته به خواب می روی
دیگر هیچ کس تورا بیدار نخواهد کرد و نخواهد گفت :
بر خیز غذای تو آماده است .
چرا باید آماده باشی ؟
هنگامی که تو دیگر نمی توانی فعالیت کنی .
در گوشه ای خواهی افتاد .
هیچ کسی تورا جست و جو نخواهد کرد و نخواهد گفت :
" بلوایی بر پا شده است ؛ وکارخانه ها
در انتظار تو هستند ."

چرا باید بلوائی بر پا شده باشد؟

زمانی که مُردی ، تو را دفن خواهند کرد
خواه مرگ تو زاده خطای تو باشد خواه نه .
تو می گوئی :

" مدتی دراز جنگیدم ؛ اما حال ، دیگر نمی توانم ."
پس ، گوش کن :

تو خواه خطا کار باشی خواه نه ،
هنگامی که دیگر نمی توانی بجنگی نابود خواهی شد .

۲

تو می گوئی : " مدتی دراز امیدوار بودم . دیگر نمی توانم
امیدوار باشم ."

به چه امید بسته بودی ؟

به این که جنگ ، آسان است

این سخن ، مقبول نیست .

روزگار ما از آنچه می انگاشتی بدتر است .

روزگار ما چنین است :

اگر ما کاری ابر مردانه انجام ندهیم ، معدومیم .

اگر نتوانیم کاری کنیم که هیچ کس از ما انتظار ندارد ،

از دست رفته ایم .

دشمنان ما منتظر اند

تا خسته شویم .

هنگامی که نبرد در شدید ترین مرحله است

و جنگجویان در خسته ترین حال ،

جنگجویانی که خسته تر اند

شکست خوردگان صحنه نبرداند .

گرفته شده: از برگزیده شعر های برتولت برشت

ترجمه: بهروز مشیری